

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طـــــــنــــن



## کور خود و بینای مردم

فیس ، بُوکی ها ببینین ، چه عجائب کار شد  
خود گرا آمد به فس بُک ، فیس ما مردار شد  
خود نما ، یکدنده و مغرور ، اما بیسواد  
وز تلفظ کردنش ، فرهنگ ها بیمار شد  
گز نمودن با ریا و ، متر کردن با دغا  
با وجب اندازه گیری ، فخر **مسکینیار** شد  
می نداند قدر زر را ، دلخوشی دارد به مس  
میرسد روزی که شاید ، مُفت لنگ وردار شد  
تا که **از گپ ، گپ نخیزد** ، یا که خیزد ناگهان  
گر نفس در خون تپد از این و آن بیزار شد  
پاس یاری را نباید سهل انگارد کسی  
از روان طبع ما مخروطه ها اعمار شد  
آتشی در سینه ما ، بل شد از جور نگاه  
آب چون سیماب ، مفصل ها ازین اسرار شد

یوسف اشعار ما را ، چاه و زندان شد نصیب  
حسرتا ، رُسوا زلیخا ، بر سر بازار شد  
دامنِ فیس بُک بالا ، تا ز عشق و عاشقی  
از ( **صدا و از پیامش** ) طعنه ها بسیار شد  
نقدِ بیجا و بجا ، در شخصیاتِ دیگران  
کارِ نه انسان و ، نه از مردمِ هشیار شد  
**باید از گیر آمدن ، لغزیدن هنگام فرار**  
**رازِ پشتِ پرده ها را ، نقطه نقطه دار شد**  
کارِ شرعی را نباید مسخره ، اندر جهان  
**کورِ خود ، بینای مردم** ، دست اندر کار شد  
نوشِ جانش باد آنچه قسمتش ، از فضلِ حق  
**پول و حُسن و قدرت و زیبا صنم** سه چار شد  
**لیک بر دستکول (گوچی) و ، (سَنیل) خانمان**  
**انتقادِ کودکانه ، من من و خروار شد**  
گاه بر اندام و ، قدّ و قامت و حُسن و جمال  
با چرانِ چشمِ بد ، بر هموطنِ نشخوار شد  
گاه بر طرزِ لباس و ، هیکل و ناز و خرام  
همچو شیخانِ عرب ، با شهوتِ سرشار شد  
کاه خرِ گندم فروش و ، خَس خرِ فروش جو  
از سیاستها تجارت ، کارِ هر غدار شد  
**فرق گلبدین** را ، هرگز نیابی از **نبیل**  
از سیاست این و ، از دین ، آن دگر تجار شد  
« نعمتا » این چاشنی ، از ما به کامِ گلرخان  
تا فضولانِ ادب ، از خوابِ شان بیدار شد